



تذكرة المقاصد



۱۱۱

باخشن ^{اولین} باریدن ^{یعنی} بار نماند کردن ^{خطا و پاره و وقتی} باز نماند کردن ^{خواب و بیدار و اولی} بازیدن ^{اولین} بازگشتن ^{کود و دغل}
 بازوشتن ^{فدیت} باشیدن ^{نخستین} پاسیدن ^{فدیت} پاسیدن ^{فدیت} پاسیدن ^{فدیت} پاسیدن ^{فدیت}
 باشیدن ^{فدیت} بافتن ^{فدیت} بکداشتن ^{فدیت} بالیدن ^{فدیت} بالیدن ^{فدیت} بالیدن ^{فدیت} بالودن ^{فدیت}
 بالودن ^{فدیت} بالافتن ^{فدیت} باستن ^{فدیت} باور کردن ^{فدیت} باوریدن ^{فدیت}
 باهکیدن ^{فدیت} بایستن ^{فدیت} بایستن ^{فدیت} پای گرفتن ^{فدیت} پاییدن ^{فدیت}
 پاییدن ^{فدیت} پاییدن ^{فدیت} پای داری کردن ^{فدیت} بستن ^{فدیت} بستن ^{فدیت} بستن ^{فدیت}
 بخیدن ^{فدیت} بخیزیدن ^{فدیت} بخسودن ^{فدیت} بخیدن ^{فدیت} بخیدن ^{فدیت} بخیدن ^{فدیت}
 بخیدن ^{فدیت} بخانیدن ^{فدیت} بختن ^{فدیت} بخنودن ^{فدیت} بخشودن ^{فدیت} بخشودن ^{فدیت}
 بخشیدن ^{فدیت} بخشیدن ^{فدیت} بخشیدن ^{فدیت} بخشیدن ^{فدیت} بخشیدن ^{فدیت} بخشیدن ^{فدیت}

[illegible]

[illegible]

لوش کردن بوشکردن لوشیدن بوشیدن لوشیدن بوشیدن

والتبليغ
ما از خود که در این ایستاد

علم اسود

خوش شدن ^{آرام شدن} خیدن ^{مترجم دادن} خنیدن ^{آرام کردن} خوابیدن ^{خوابیدن} خوابانیدن ^{خوابانیدن}

خواندن ^{خواندن} خواندن ^{خواندن} خواندن ^{خواندن} خواندن ^{خواندن} خواندن ^{خواندن}

خوار کردن ^{خوار کردن} خوار کردن ^{خوار کردن} خوار کردن ^{خوار کردن} خوار کردن ^{خوار کردن} خوار کردن ^{خوار کردن}

خراشیدن ^{خراشیدن} خراشیدن ^{خراشیدن} خراشیدن ^{خراشیدن} خراشیدن ^{خراشیدن} خراشیدن ^{خراشیدن}

خیزیدن ^{خیزیدن} خیزیدن ^{خیزیدن} خیزیدن ^{خیزیدن} خیزیدن ^{خیزیدن} خیزیدن ^{خیزیدن}

خیلانیدن ^{خیلانیدن} خیلانیدن ^{خیلانیدن} خیلانیدن ^{خیلانیدن} خیلانیدن ^{خیلانیدن} خیلانیدن ^{خیلانیدن}

خوشیدن ^{خوشیدن} خوشیدن ^{خوشیدن} خوشیدن ^{خوشیدن} خوشیدن ^{خوشیدن} خوشیدن ^{خوشیدن}

خفتن ^{خفتن} خفتن ^{خفتن} خفتن ^{خفتن} خفتن ^{خفتن} خفتن ^{خفتن}

خواهند دان
دلت و آستانت

خوچیدن ^{خوچیدن} خوردن ^{خوردن} خوریدن ^{خوریدن} نوشتن ^{نوشتن} خوشیدن ^{خوشیدن} خوشیدن ^{خوشیدن}

دادن ^{دادن} داشتن ^{داشتن} داشت کردن ^{داشت کردن} و امیدن ^{و امیدن} دانستن ^{دانستن} دان کردن ^{دان کردن}

دایندن ^{دایندن} درآمدن ^{درآمدن} در آوردن ^{در آوردن} در و ایندن ^{در و ایندن} در و ایندن ^{در و ایندن}

در دیدن ^{در دیدن} در و کردن ^{در و کردن} در و رفتن ^{در و رفتن} در و رفتن ^{در و رفتن} در و رفتن ^{در و رفتن}

در شدن ^{در شدن} در گذاشتن ^{در گذاشتن} در نوشتن ^{در نوشتن} در یافتن ^{در یافتن} در یافتن ^{در یافتن}

دست گیر کردن ^{دست گیر کردن} دست یافتن ^{دست یافتن} دست یافتن ^{دست یافتن} دست یافتن ^{دست یافتن} دست یافتن ^{دست یافتن}

دم زدن ^{دم زدن} دم زدن ^{دم زدن} دم زدن ^{دم زدن} دم زدن ^{دم زدن} دم زدن ^{دم زدن}

دیدن ^{دیدن} دیدن ^{دیدن} دیدن ^{دیدن} دیدن ^{دیدن} دیدن ^{دیدن}

دویدن دویدن دویدن دال المصنوعه درخیدن درفشیدن
آفاق آفاق آفاق آفاق آفاق آفاق آفاق آفاق
درفشیدن درنگ کردن درنگیدن درویدن درپین دال کپشیدن
دویدن دال المصنوعه درودن دزدیدن دشنام دادن دزدیدن
دویدن دندیدن دوچار زدن دوچار خوردن دوختن دوخت کردن
دوست داشتن دور بر آمدن دوسیدن دوسیدن دوسیدن
دوشیدن راء المصنوعه رانیدن رخسیدن رساندن رسانیدن
دستن رسیدن رفتن رفتن رفتن رفتن رفتن رفتن
رگ زدن رمیدن رنجیدن رنودن رنودن رنودن رنودن
رهانیدن رهانیدن رهانیدن رهانیدن رهانیدن رهانیدن

فروغ کردن فروغیدن فروغختن فروغختیدن فریبانیدن

کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن کالیدن

کاوریدن کاوریدن کاوریدن کاوریدن کاوریدن کاوریدن کاوریدن کاوریدن
 کوریدن کوریدن کوریدن کوریدن کوریدن کوریدن کوریدن کوریدن
 کشیدن کشیدن کشیدن کشیدن کشیدن کشیدن کشیدن کشیدن
 کمزار خوش شدن کمزار خوش شدن کمزار خوش شدن کمزار خوش شدن
 کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه
 کراپیدن کراپیدن کراپیدن کراپیدن کراپیدن کراپیدن کراپیدن کراپیدن
 کرفتن کرفتن کرفتن کرفتن کرفتن کرفتن کرفتن کرفتن
 کربستن کربستن کربستن کربستن کربستن کربستن کربستن کربستن
 کپانیدن کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه کاف المصومه

کشتن کرا زیدن کرا زیدن کرا زیدن کرا زیدن کرا زیدن کرا زیدن کرا زیدن کرا زیدن
 کزیدن کزیدن کزیدن کزیدن کزیدن کزیدن کزیدن کزیدن
 کشادن کشادن کشادن کشادن کشادن کشادن کشادن کشادن
 کشودن کفان کفان کفان کفان کفان کفان کفان کفان
 کاردیدن کما برودن کما برودن کما برودن کما برودن کما برودن کما برودن کما برودن کما برودن
 کنجیدن کنده کردن کنده کردن کنده کردن کنده کردن کنده کردن کنده کردن کنده کردن کنده کردن
 کوازه زدن کوازه زدن کوازه زدن کوازه زدن کوازه زدن کوازه زدن کوازه زدن کوازه زدن
 کوزیدن کوش داشتن کوش داشتن کوش داشتن کوش داشتن کوش داشتن کوش داشتن کوش داشتن کوش داشتن
 کوریدن لام المصومه لام المصومه لام المصومه لام المصومه لام المصومه لام المصومه لام المصومه لام المصومه

مجلس

الکتاب

تو ای که
حافظ

خود را بدین می بیند که در فو

ادی اویم اذر اذر اذر اذر اذر اذر اذر

ارِش ارِش ارِش ارِشك ارغ ارغن ارغن ارغه

ارسل عبداده بر ما ننگ آید
و بر دنی و اوارا که چو ننگ در ستم تر

ارغنی ارغی ارغند ارغنده ارغنون ارغوان ارمان
 ارغوان ارمیده ارن ارنبیز ارخ ارخ ارنگ ارنگ
 آروغ آروغ آروغ آروغ آروغ آروغ آروغ آروغ
 آروغ آره آره آری آری آری آری آری آری
 آزاده آزاد درخت آزاد بویه آزار آزار آزار آزار
 از دست فرا آرد از درها از درها از درها از درها
 از دلف از دلف از دلف از دلف از دلف از دلف از دلف
 ازغ ازغ ازغ ازغ ازغ ازغ ازغ ازغ
 ازغن ازغن ازغن ازغن ازغن ازغن ازغن ازغن

ز نخل نخل می شد جهان بیک مجوا و آبکوش از دوا

از دوا
 پیغامی که آتای
 میارم و اوم

آزان جای
 بیغه جا سیکدر

ازنده ازنگ ازنگ ازنگ ازوغ ازه ازه ازه ازه
 ازجوک ازبر ازبر ازبر ازبر ازغ ازغ ازغ ازغ
 اس اس اس اس اس اس اس اس اس اس
 آب آب خلق آب لاشه است است است است است
 آسانه استر استر استر استر استر استر استر استر
 اسریش اسفد اسفد است است است است است است است
 اسم اسم اسم اسم اسم اسم اسم اسم اسم اسم
 آسمان اسمب اسمب اسمب اسمب اسمب اسمب اسمب اسمب
 اشام اشپز اشپل اشنگاه اشغوم اشغوه اشغی

آزان بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم
 روز طراب حالت دوم بیکر کشیدیم

آزان بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم
 بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم

آزان بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم
 بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم بیکر کشیدیم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

[Faint handwritten Persian script, likely bleed-through from the reverse side.]

افسوس کنان
تشفیع ایچی

افسوس
چیف و درین

عبدالغني
الخديوي
المنون

[illegible]

عاشقانه و دلجو

اُسْتَرْكُ اُسْتَرْوَن اُسْتَرْوُ اُسْتَوَار اُسْتَوْن اُسْتَوْر

من نبيك الخوف
وخلوى واكنج

اوله اولاج اولميد اولنيا اوليا اوله نوب اوليا اوليا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

باد خایه باد خور باد خور باد خور باد خور باد خور باد خور باد خور

بادر
مروحه

باران خشک باران کدنه مارانه مارماد بادرد باوبر بارینه باردی

محمد بن
المخلص

(Faint handwritten Persian script)

پیشانی
قسمت

مفتی خدام عز و جل
حافظ و ناموس و معائنہ و توبہ

عبد الدعاء الله لا يتبيننا علم على النفس
والدعاء الله لا يتبيننا علم على النفس
على خلق روي في المحبة يا كاشف
وخلق نفس نبارك في روي
دعاء ورد من دانه
رشاء نبارك من دانه

پریون پریوت بنز بنز بنز بنز بنز
بنز بنز بنز بنز بنز بنز بنز بنز بنز بنز

٢
بزرگ پور بزرگ پور بزرگ پور بزرگ پور بزرگ پور

پنوم پنرفد پنرفد پنرغوده بنرق بركه بنرم بنرم بنرم

بزمِ ماوراء بزمِ مایوں بزمِ پندِ مردودہ بزن بزن بزن پزند پزند پزند
فانی لغوی قیدی وکی کنز صوفی راہ سورک کہ اکبر جیلد اولیٰ

پزند پزنگر پزوکل پزونند پزویس پزهان پزوهی پزوهی

پزیر پزیز پزیش

فاد بایج بادست بازوب بازده بک بک بازده غافیه

پس آهنگ پس پای بست بست بست بست بست

بعد الدعاء اللطيف من طرف الخفيف
الى حضرت عالي الشريف معروض
محمداً اول در كه

سند
تبریه ایف
اعمال فزون و لطایف
صالحات اختصاص
سند
الاف دعوات
دولت فزون و لطایف
و افاضت عزت نمودن که هم نفسی
سپاسگاری و قدس ما و شکر سبج افکار

2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرو بسف بسف بکله بشکوہ بشکوہ

پشمان بسم بکند بکند بکند بکند

بِئْسَ بَيْنَ بِيْ بِنْتِ بَنَاتِ بَنَاتِ

بَشَرِ بَشَرِ بَشَرِ بَشَرِ بَشَرِ

يَسْكُنُ يَسْكُنُ يَسْكُنُ يَسْكُنُ

بشتم بشتم دوات بشما کند بشتم بشتم بشتم

بشج بشج بشج بشك بشك بشون بشون

بَشِيرٌ بَشِيرٌ بِشِيمَانْ بَطَّ بَطَّارِسْ بَغَا بَغَانْ بَغَانْ

پہر کیسی او لاشہ کارا میہ

الحمد لله نور قلی بنور چشمکم و بختی بمنی فی الفقه
بر جاء و صلکم ادام الله تعالی لقاءکم و لا زرقانی
قرب الیکما ان یبقا فکم اعنی به لا زال اعمکم
معموراً و عمر خصمه مقهوراً و موضوع دلی علیکم
جانبندن استغلام خاطر عظیمه و ظهور
ایدرایر الحاله بمن علی الصفت و السلامه
فی کل آن و ساعه لقاء ذات شریفه و وجوده
عزیز لطیفه مشتاق و مظهر بکماله فی الشیاق
و غصه کفر فراق اول شایین و کلداریا و دیلم
عیان و غیر بسانه بیان اوله بیج بران و برسانه
یوقدر که دلم اوصاف جمیع کون ذکر کردن و
کوکم خانسی خیال جدید که در فخر ندن خالی و لا
لکن رب الارباب و بسبب الکسب در کاهنه
احسن اوقات و اشرف ساعتی متوقف که
فدقی و صسته مبدل بود آمین بختم کتاب المبدل
سیرانه
و طرف تسلیحات و اوقات اتقا فدن عمکه
انها عجمانه اوله که شدک طالع شویله
استماع اوله که محذوم زاده کون فخریه
بقدر اینکه رحلت ایدوب فی مقصد صدق
عنه یمیک مقدر جوارنده وطن و و تمش
قالوا ان الله و اننا الیه راجعون
غیت النظم و التکریم من الخیر القییم
الی جناب الکیریم سلام قولاً کرمی و صمیم
دعاء صلیح استجاب و شای فیا مستطاب
فقطا فل جمیع مساعدا و این نازده و مطهر فحققت
حکوه رای همان ارا کون که محیط اوزار قد سید

و نو بسفا و یک بالی پوئی که
سپه کیسی اولانسه کار امیه

پیو پیو پیو پیو پیو پیو پیو پیو
پیو پیو پیو پیو پیو پیو پیو پیو
پیو پیو پیو پیو پیو پیو پیو پیو

بزر بزر خلیفه بیعتی بود
بزر بزر کوار بویک
بزرغانه بُزغند بزرگ بزرگ

1

تَلْكَ دُرِّيَانُ نَيْلِ سَهْلٍ مَمْ مَمْ تَمَاشَا تَحَامِي تَمَلُّو عِنْدَهُ

از من

توصل
توبل
تبه
تبه
تبه
تبه
تبه

ایک ایک

جلد جلوزہ جلو چوب جلوم جلوہ جلوه اخیار جلوزہ جلوزہ جلوزہ

[illegible]

شتر یقینی سوک زلفی قینی
بابا شسته سی
صالحی جانی
دکل بستنی
و زلفان صوفی
و زلفان صوفی

جان چمانہ جمستہ بخت جملوں بخت بخت بخت

جس بند چمنہ جاب جاب جابر جابر کمر دل جنیل

چنبه جخم جھک جھ جھ جھان جھان جھان جھان

[illegible]

اه اعلم راجلاند
اه بختی خندوری
اه کوی
اه اوران
اه ایوانی
اه

چنگاوه چنگ برباب چنگل چنگل چنگل چنگل چنگل چنگل

جَنکُورَ جَوْبُ جَنہ جَنِبُ جَنِبَ جَنین جَوَّ جَوَابُ

جواز جوزه جوینہ جوز جوز کرم جوشن

جوتکان چه چه چهار چه چه چهارخانه چهاردهم

صهارشاه صهاره صهاره صهارمغه صهارک

صورت چندی جلیان است سبوق ماه ماه بود معانی

بھیر بھیر بھیر بھیر بھیر بھیر بھیر بھیر بھیر بھیر

جِب جِسْتِ جِم المَسْوَع جِرَا جِرَا جِرَان جِرَان جِرَان

چراغ پایه چراغ دال چراغ بره چراغ غله چراغ نایه چراغ

میرضت مکنه کرد با بد درخت آویند ایست اکی خیار سنجی جزو جزو جزو جزو جزو

سواد البطن زیادہ الکبد

جلد اول جلد دوم جلد سوم جلد چهارم جلد پنجم جلد ششم

چلن چکون چل چل جلاکر جلاکر جلفہ چلہ

در برهه مضاعفه فقط
سوز لای با غیا جی

سناه
از ریز
جریغ بود
از اری قوش
از قورچک
از جیستان
از صیست
صدر است
جاکب

عبد جبار

جوب خار جوب دستي جوب رشي جوب ديب جوب نقي

جمعه دار
مستوفی طرود

چوبک چو بکین چو بنان چوپه چوپایں چوپینه برنوشه
 چوپنه جوتونه آدکلنا زورده انجان اولان چوپینه برنوشه
 چوپینه جوتونه چوپیه جوزه جوزکره جوشش جوشش

جوشن جو ستره جوشک جوع جو غری جوک جولاہ

جولہ جوم دہ بجینے جوئیق جو مرد چوں چوں چوئے خیر چوئے ربوبی

جوی جوی جویا جویا جوی بار چهره جودان جودان جودان

جیتن حاء المفتوحه حاشا حاش حاشا حال حالیا

قلم ضعیف و کبیر
 حتماً حامی
 کلمه عدد در
 در یک بیخ
 در یک
 فاضل دانشمند
 نام او در کتب
 حجام
 حکم
 حکم
 حکم

اه که در ملک
جمله طرز صرام
ارکضه یکی
صرام مغز
آورد مورد
صرف صرف
الرب تا فوجم
صرون صریه

ضرب ضرب ضربان صود صیب صیبک صایر

[illegible][illegible]

حُجْرَةُ قَدْرٍ حَقٍّ حَكْمٌ أَدَارٌ حُلُولِي فَأَيُّ الْمَفْتُوحَةِ خَاتَمٌ

خاجسوس خاجشوس خاجک فاد فاده فاده فاده

خار خار خار آورد خار پشت خار چه خار زرد خار سپید

خار خارش خار کوشه خار ماهی خار و خار خار

خارغان خاشاک خاشیه خاک خاک بینه خاکدان خاکدانه

خاکی از خاکستر خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش
 خاکی از خاکستر خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش خاکش

خُشک خُشود خُشور خُشک خُشاکه خُشاکه خُش
خوبی خوابه خوابه خوابه خوابه خوابه خوابه
خود خوره خودرگ خودرو خودرو خودرو خودرو
خودکام خوار خور خور خور خور خور خور
خوراک خوربار خوربار خوربار خوربار خوربار
خوردی خوارزی خوارزرویان خورش خورشید خورصلا
خوراه خوره خوزه خورستان خواره خوزه خوزه
خواته خواته خواتار خواتار خوسه خوش خوش
خوش خوشاب خوشاو خوشامره خوشای خوشه

خُشک خُشود خُشور خُشک خُشاکه خُشاکه خُش
خوبی خوابه خوابه خوابه خوابه خوابه خوابه
خود خوره خودرگ خودرو خودرو خودرو خودرو
خودکام خوار خور خور خور خور خور خور
خوراک خوربار خوربار خوربار خوربار خوربار
خوردی خوارزی خوارزرویان خورش خورشید خورصلا
خوراه خوره خوزه خورستان خواره خوزه خوزه
خواته خواته خواتار خواتار خوسه خوش خوش
خوش خوشاب خوشاو خوشامره خوشای خوشه

داراب دارآد داربرنیاں داربزن داربزی داربوی
 دارخال دارخال دارووست دارفرین دارو دارو دارو
 داروی پلوش داروی شبر داری داز داز داز داز
 دازار داس داس داس داس داس داس داس داس
 داسکله داسه داسه داسه داسه داسه داسه داسه داسه
 داسن دکن دکن دکن دکن دکن دکن دکن دکن
 دال پرنیاں دال پره دال پره دال خال دال وزه دال وزه
 دالوزه دال دالیز دالیز دالیز دالیز دالیز دالیز دالیز
 دمال دمال دمال دمال دمال دمال دمال دمال

دام غول داموز داموز داموز داموز داموز داموز داموز داموز
 دانچ دانچ دانچ دانچ دانچ دانچ دانچ دانچ
 دانک دانک دانک دانک دانک دانک دانک دانک
 داوری داوری داوری داوری داوری داوری داوری داوری
 داهون داهون داهون داهون داهون داهون داهون داهون
 دبه دبه دبه دبه دبه دبه دبه دبه
 دشمن دشمن دشمن دشمن دشمن دشمن دشمن دشمن
 دده دده دده دده دده دده دده دده
 درآ درآ درآ درآ درآ درآ درآ درآ

پن دینار پنار دیناروبه دیو دیو اباب

دُش دُش دُش دُش دُش

01

دو کتبی

روزه روبرو روباه روپہ رویان رویان روچہ

بر قوش آدی
هندوستانه فلی
کوتور

[illegible]

ابو یک یونان در دهه بی ر چهار در چهار در دهه بی ر
در دهه بی ر در دهه بی ر در دهه بی ر

سازند
مستغنون
کلمه شش در
وقلان ابوسریا
اسپاه
مشترک علی

زِه زِه زِه زِه زِه رَوَارِ زُوَاش

[illegible]

زُیوہ زاء المضموم زبان زبان اور زبان نثران زبان برة
زبان بند زبان بند زبان فوه زبان کر زبان کشک زبان کبر
زبانہ زبانہ زبانہ لکام زبرہ زخشی زودودہ زرد
زردشت زرقین زروک زره زریقا زریر زریز
زغاره زغال زغل زغان زفت زفاق زکر زکاک
زکام زکان زکور زلال زلف زلف زلیقم
زملک زمرود زمج زمج زمج زمو زموده زناج
زنار زنج زلویہ زو زوا زوا زوال زوال
زوان زوان برة زوالش زوان زوپین زوپین زود

ساعت اولی صغریه یک سال
ساعت دوم ساعده ساقی سال

سبز سبز تھک سبز دانہ سبز آب سبز سبز زار سبز

سردار دودلورس باقی الہ آباد
الہ آباد

حقا در دهر
اعتبار مقامش

سین المصنوعه سباع سیرز سیری سبب سبب سبب

سبح سنا ستربانک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترک سترک سترک سترک سترک سترک سترک

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای سترخای

خاشاکه خاشاک خاشاک خاشاک خاشاک

[illegible]

شامه
شاکر شاکر شاکر شاکر شاکر شاکر شاکر شاکر شاکر شاکر

شاموس شان شان شان حور شان شان شان

شان شاترده شان شان اشغو انغون باجود و طر دغلی دیوچی

شاه کرباس شاه محمد شاه غفر شاولی شاه چان شاه بن پنه

سلطان شاه سلطه بنج، سويي شاه اجير، شاه باج، شاه بک، شاه بک

شاه پسر شاه بلوط شاه بوی ^{عنه بوی} شاه بیت شاه تره ^{صحنه داران} شاهد

شاهان شاهان ربه الینو بوجه دی شاه دیوار شاه دود شاه را شاهینم
جبالکورد در دره اودلو یور امیرغانتقال

شاه پسر شاه پسر شاه کار شاه کور
سلطان سلطان سلطان سلطان سلطان

شاھو شاھول شاھنشاہ شاھنشہ شاھین شاھور

شاہ شاہوار شاہین شاہین شاہان شاہان

شایگان شایگان شایگان شایگان شایگان
سازنی ببنزد، سازنی ببنزد، سازنی ببنزد، سازنی ببنزد، سازنی ببنزد

شنب شنبانروز شنبانروز شنبانروز

شبانگاه شبانه شبانگی کاروان قافله ارته بلدری خیابان و مشعبه

سب پرک سب پاره شبیوش شبیوش شبیوش

شبتاب شبنم چک سفید ریز شبنم ریز شبنم ریز شبنم ریز

[illegible]

شُکبوی شُلبوی شُلم شُله شُوار شُوار بند شُنامه
 شُمان شُمان شُنج شُمر شُمر شُمر شُمر شُمر شُمر
 شُغت شُغت شُغت شُغت شُغت شُغت شُغت شُغت شُغت
 شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش
 شُغ شُغ شُغ شُغ شُغ شُغ شُغ شُغ شُغ
 شُبلید شُبلید شُبلید شُبلید شُبلید شُبلید شُبلید شُبلید
 شُجار شُجار شُجار شُجار شُجار شُجار شُجار شُجار
 شُک شُک شُک شُک شُک شُک شُک شُک
 شُک شُک شُک شُک شُک شُک شُک شُک
 شُکور شُکور شُکور شُکور شُکور شُکور شُکور شُکور

لبنه

شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش
 شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش شُش
 شُکار شُکار شُکار شُکار شُکار شُکار شُکار شُکار
 شُبارو شُبارو شُبارو شُبارو شُبارو شُبارو شُبارو شُبارو
 شُبلوط شُبلوط شُبلوط شُبلوط شُبلوط شُبلوط شُبلوط شُبلوط
 شُریار شُریار شُریار شُریار شُریار شُریار شُریار شُریار
 شُوار شُوار شُوار شُوار شُوار شُوار شُوار شُوار
 شُین الکس شُین الکس شُین الکس شُین الکس شُین الکس شُین الکس
 شُتابان شُتابان شُتابان شُتابان شُتابان شُتابان شُتابان شُتابان

[illegible]

شبهه شبیه زبان
شبیه اواز شبیه
شبیه شبیه شبیه
شبیه شبیه شبیه

شَبَابُ شَبَانِ شَبَانِ فَرِيبِ شَبَّشِ شَبِّمِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ
شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ شَبَّشْتِ

[illegible]

۴۶
شهر
صفر

[illegible][illegible]

شَوَّازِ شَوَاتِ شَوَادِ شَوْبَانِ شَوْبَانِ قَرِيبِ شَوْخِ شَوْخِ

شور چشم شورستان شورش شور شغف معاش شور کس شور شور کنز شور

شوشه شوشیر شوش سنجین مدینه الراجی بلبران شولم

سَنُوم سَتُون مَنُوبَر شَوْنِز شَوْهَر شَوْصِيان شَوْصَغِير
سَنُوم سَتُون مَنُوبَر شَوْنِز شَوْهَر شَوْصِيان شَوْصَغِير

شبهه
او چه منقلب کوه بی حد و بی انت
تویند و درین دنیا بود سزای عجب
او چه در آن غم و اندوه و درین
و کند و بخت بی گنج و درین
یکی شبهه بگوید و شبهه ای که در

سفریوں
بعض اعلیٰ

[illegible][illegible]

فرغند فرغند فرغند فرغند فرغند فرغند فرغند فرغند
فرور فرور فرور فرور فرور فرور فرور فرور
فرم فرم فرم فرم فرم فرم فرم فرم
فرموش فرماز فرناس فرناس فرنج فرجام فرنگ
فرواز فروان فروار فروار فروار فروار فروار
فرصت فرصت فرصت فرصت فرصت فرصت فرصت
فرهنگ فرهنگ فرهنگ فرهنگ فرهنگ فرهنگ فرهنگ
فرید فرید فریدون فریدون فریدون فریدون فریدون
فرغند فرم فرم فرم فرم فرم فرم فرم فرم

فش فش فش فش فش فش فش فش
فغند فغور فغور فغور فغور فغور فغور فغور
فلاذ فلاذ فلاذ فلاذ فلاذ فلاذ فلاذ
فلغند فلغند فلغند فلغند فلغند فلغند فلغند
فنجنج فند فند فند فند فند فند فند فند
فود فود فود فود فود فود فود فود
فیل فیل فیل فیل فیل فیل فیل فیل
فقال فترک فترک فترک فترک فترک فترک فترک
فراخا فراخی فراز فراوان فراوان فراوان فراوان

فرسب فرستاده فرست فرسک فرسک فرشته فرشته
فرشک فرصاد فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه فرقه
فریب فریب فریب فریب فریب فریب فریب فریب
فریه فریه فریه فریه فریه فریه فریه فریه
فند فند فند فند فند فند فند فند
فلزک فلزک فلزک فلزک فلزک فلزک فلزک فلزک
فهرت فهرت فهرت فهرت فهرت فهرت فهرت فهرت
فیروز فیروز فیروز فیروز فیروز فیروز فیروز فیروز
فیش فیش فیش فیش فیش فیش فیش فیش
فوس فوس فوس فوس فوس فوس فوس فوس

فرشک فرغول فرناس فرناس فرنج فروان فروش
فروتنی فرجه فروخت فرود فروداشت فروز فروزن
فروزینه فروغ فروغ فرومایه فروخته فروجه فرون
فوق فطار فوس فوس فوس فوس فوس فوس فوس فوس
فوق فقل فقل فقل فقل فقل فقل فقل فقل
فوت فوت فوت فوت فوت فوت فوت فوت
فوکان فول فوه **قارالمقومه** قان قاب قابور
قابول قابول قاج قار قار قار قار قار قار
قارغان قاش قاش قاش قاش قاش قاش قاش قاش

[illegible]

کَشَا ب کَشْکَب کَشْکُ کَشْجَر کَشْکَن کَشْکِنه کَشْکِنه

کشی کشیده کفته کعاب کعبه کعبین کف کف

لعل کچلیز کچلیز کچی کفسک کفش کفشکر کفیر کفیہ
شمس بر

کلاه و کلازه کلاشه کلاش کلاشکره کلاغ کلاف کلان کلان
 بعضی آینه در روی بعضی آینه در روی بعضی آینه در روی
 بعضی آینه در روی بعضی آینه در روی بعضی آینه در روی

کلم کلد کلدرد کلدرد کلدرد کلدرد کلدرد کلدرد کلدرد کلدرد

کَلْبِدُو کَلِبْ کَلِیْ کَلِیکْ کمْ کمْ گَا گَا کَاسْ

کمان دُستم کمان سام کمان کبر و جه کمان کهره کمانه کمانه کمانه کمانه

که بمعنی از
و استعمال لفظ که در موضع
لفظ از شایع
نقل نسخ کلمات سرور
بنظر اقدس
از دست بهمانند
از دست بهمانند

شکستنی
۷۴۵

[illegible][illegible]

کُش کُش کُشت کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ
کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ کُنْ

کوارشت کواره کواره کواز کواز کواز کوازه کوازه
کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش
کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش
کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش کوارش

کوب کوب بار کوه باره کوباں کوئی کوئی کوبر کوپ کوپ
کوپلہ کوپلہ کوپلہ کوپلہ کوپلہ کوپلہ کوپلہ کوپلہ کوپلہ

کوٹ کوٹاہ کوٹلان کوٹوال کوٹوال کوٹہ کوچ کوچ کوچ کوچ

کونج کونج کو چال کو جدر کو چک کو چک بالا کو چه کو چه کو چه

کون کوف کوم کوداب کوداب کودبان کودبان کودبان

کودر کودره کودک کوده کوده کودیان کودیان کودیس

[illegible]

کوتل کور
بسن

كُفَّار كُفَّتَانِ كُفُّنْ كُفْنَهْ كُفْنَهْ كُفْنَجْ كُفَيْلَهْ لَامُ الْفَتْوَا

لا اب يور من قات تزيات حلو
لا اب يور من فاني و كلاب
لا اب يور من نا نيبيت
لا اب يور من لاجورد لاخه لاخه

[illegible]

لا روه لا زورد لاس سيقه اوسدوين كوئنه لاش لاش لاش لاش

لا ش لاغ لاغر لاغيه لاف لاف لاف لكك لكك

[illegible]

لا انك لانه لانه كوهي لانه دشتي لانه لانه لامي لامي لامي لامي

لا احم لا انه لا ادا كسم بطار حاصل
لا نيس لا فوا ايجج الملكندس
لاوه لا يبر ميم قاسي بالجمعي
لاني لاني لاني لاني

ب /

لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ
لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ لَبَّاسُ

لَبَّابُ لَبْنِي لَبُوتُ لَبُوسُ لَبِيشَةُ لَبْ لَبْ لَبْ
 محمود درویشی
 بوزطحات
 باره باره
 بسیار فزونی
 قضاوت
 دیک

[illegible][illegible]

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

لَمَزَانِ لَمَسْ لَمَرٌ لَمَزٌ لَمَزَجٌ لَمَزَنٌ لَمَزَجٌ لَمَزَجٌ

لست شکر بپزه شکر بپزه شکر بپزه

لعل کون لعین لغزان
لغزنگ لعم الخوف

لَعَجَ لَعَجَ لَعَجَ لَعَجَ لَعَجَ لَعَجَ

[illegible]

١٠٠

[illegible]

ماهی کرد ماهی کون ماهیسنه کای کایه کایه کایه کایه مبادا

[illegible][illegible]

مهم المکسوف ملاد مرید میر میرپاس مری مزاج مس
مسکن منار مسین مشش میشود مطرف معجز
مغیر مفیار مکاش ملکست مکمل مکیش مکیش ملاط

[illegible]

مُصَلِّبٌ مُصَلِّي دُرٍّ مَطْرِبٌ مَطَرٍ كَرٌّ مَخٌّ مَعٌّ مَغٌّ مَغْلَكٌ مَغْلِكٌ

نا ناستوار نأب نأب نأب نابید نابود نابیل

مؤید مؤید آن
افواج سید

نورد نورد نورد نورد نورد نورد نورد نورد نورد نورد
 نکرده نوز نوز نوز نوز نوز نوز نوز نوز نوز نوز
 نوید نوید نوید نوید نوید نوید نوید نوید نوید نوید
 نهار نهار نهار نهار نهار نهار نهار نهار نهار نهار
 نخل نخل نخل نخل نخل نخل نخل نخل نخل نخل
 نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک
 نیار نیار نیار نیار نیار نیار نیار نیار نیار نیار
 نیدف نیدف نیدف نیدف نیدف نیدف نیدف نیدف نیدف نیدف
 نژد نژد نژد نژد نژد نژد نژد نژد نژد نژد

نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان
 نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه نشگاه
 نشیب نشیب نشیب نشیب نشیب نشیب نشیب نشیب نشیب نشیب
 نکات نکات نکات نکات نکات نکات نکات نکات نکات نکات
 نکهار نکهار نکهار نکهار نکهار نکهار نکهار نکهار نکهار نکهار
 نکیش نکیش نکیش نکیش نکیش نکیش نکیش نکیش نکیش نکیش
 نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد نکاد
 نکاندان نکاندان نکاندان نکاندان نکاندان نکاندان نکاندان نکاندان نکاندان
 نیاکان نیاکان نیاکان نیاکان نیاکان نیاکان نیاکان نیاکان نیاکان

این کلمات را در هر روز بخواند
 و کلمات را در هر روز بخواند
 و کلمات را در هر روز بخواند

[illegible]

هوشنگ هوشنگ هوشن هوشا یاء المقومه یا یا یا
باداش یاد یاد کار یاری یار یار یاری یارا
یار به یار د یاری بارغو یارنو یاروی یاره یاره یاره
یاره یاره یاری یاری یاز یاز یازاب یازبه یازان

ای سرودی که زبید کن تعلیم گزین
دردت بیاد دل خنایارده باشد

در بیان مفعول ماضی

بدین سوزی از برای تو که کمال آید

که بگوئی او تو علم که او تو کمال

سجده کن که کور نمیشد

اوقی دورش که کور نمیشد

سجده اولدم کاش که با تو بودم کاش

سوزم و اریو انچه بدن ال

ای دست گیر دانت از دست کی بلم

علم او کون کشی بولس در یوچه بقا

بیش از آن که در خود را بکن

بر پیدا آنکس که شد بهر اسان

تفاهل علم که در آن

حرام به یلانی و غیره

از آن که اندوزی فردا بماند

یوتور کی حاکمه ای که سرایه

هر نه و در کمال و استعداده

تفاهل علم که در آن

سلطان عالم اولد قانع اولن بکمال

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

در شش علم کمال اید و در کمال

فعلول مفعولن فعلول مفعولن

طبیعی و طبیعی که او یک نهاد و شست

طبیعی و طبیعی که او یک نهاد و شست

در بیان مفعول مضارع

این سخن بگویند که دلت منیر دای

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

در بیان مفعول مضارع

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

2	1	2	1	0
2	2	2	2	0
<hr/>				
2	2	2	2	0
<hr/>				
2	2	2	2	0

2	2	1	1	0
2	2	2	2	0
<hr/>				
2	2	2	2	0
<hr/>				
2	2	2	2	0

2	2	2	2	0
2	2	2	2	0
<hr/>				
2	2	2	2	0
<hr/>				
2	2	2	2	0